

**عبرت گرفتن**؛ **ران خوشبختی**
و **مِنَ الْفَأْطِقِ رَسُوْلِ اللهِ** **(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌الْمَوْجُزَةِ السَّعِيْدُ**
**مِنَ وَعَظِّ بَقِيْرِهِ**)<sup>(۱)</sup>
از رسول خدا(ص) فرمود:خوشبخت کسی است که به‌وسيله ديگري موعظه بشود.

همه زندگي سرشار از عبرت‌هاست.
اگر عرت‌هاست.
باز بکند و به ديگران نگاه کند،
خييلي از حقايق عالم براي او روشن مي‌شود؛
مراد از روشن شدن حقايق مثل فراگيري معلومات نيست
که انسان چيزي را نمي‌داند و بعد آن را با تعلم به دست مي‌آورد؛
اين یک‌جور فهمیدن است.
از اين مهم‌تر اين است که چيزهايي براي انسان روشن است،
جلوي چشم انسان است،
انسان، تأمل و ژرف‌اندیشي درباره اينها نمي‌کند و درس از اينها نمي‌گيرد.

اينها آن عبرت‌هاست.
فرض بفرماييد يک‌اي شهيمن مردن است،
همه‌ها احد انسان اين مرحله را طي مي‌کنند.
بني عبدی از اين حيات مادی و نشته مادی و جسماني عبور مي‌کنند و مي‌روند در يک عالمي که ما از کيفيات آن عالم خبري نداريم و عالم ششوراي است.
عالم غربت است،
عالم حساب است،
عالم مشکلات گوناگون است.
اينها را همه في‌الجمله مي‌دانيم،
هر کسي هم در مدت عمر خود افراد زيادي را مي‌بيند از پير و جوان و کودک و مرد و زن و همه‌جور، که رفتند.
اين براي ما يک چيز عادي مي‌شود.
تنبيه به اينکه اين مسيري که همه دارند مي‌روند براي ما هم هست؛
ما هم بايد از همين‌جا عبور کنيم.
کجا وارد مي‌شويم؟
چه دستاويزي براي حيات سعادت‌مندانه در آنجا داريم؟
چه کار مي‌شود در آنجا کرد؟
غربت نشته آخرت را، نشته بزخ را، تا برسد به قيامت
چه جوري بايد برطرف کرد؟

اينها نکات مهيمي است.
اگر چنانچه بسه اين چيزها فکر کنيم ممکن است در رفتار مسا، در عملکرد ما، در مسيرير زندگي ما، در تصميم‌گيري‌هاي کلان زندگي ما اثر بگذارد.
فألاً توجه نداريم،
اين موعظه شدن و فراگيري و عبرت اين است.
لذا شما ملاحظه مي‌کنيد خدای متعال در قرآن کريم بسياري از واضحات را -چيزهايي که واضح است- اينها را به يک شکلي برجسته مي‌کند،
بعد که برجسته کرد، انسان مي‌بيند که عجب!
اين چه چيز مهيمي است:
«وَالشَّمْسُ وَشَجَاهَا ۝ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا»
«ما همين‌طور عادت کرده‌ايم که اين آخوشويد و ما!
همين‌طور مي‌آيند و مي‌روند.
يک تأملي بايد کرد.
اين رفت و آمد طيق چه قانوني است؟
چه قاعده لا يتخلفي بر اينها حاکم است؟
اين قاعده لايتخلف از کجا ناشي شده؟
اينها هم‌هاش نکات است.
حکمت و مصاديق حکمت که خدای متعال در قرآن ذکر مي‌کند،
اينها همه از اين قبيل است.
چيزهايي است که به نظر انسان واضحات است.
فرمود خوشبخت آن کسی است که به‌وسيله ديگري موعظه بشود؛
يعني عبرت بگيرد.
ما مي‌بينيم چيزهايي را که در زندگي براي افراد پيش مي‌آيد.
چه‌جور در مرحله امتحان قرار مي‌گيرند،
چطور بعضي در امتحان بيروز مي‌شوند،
چطور بعضي در امتحان مردود مي‌شوند،
چطور بعضي از موقعيت‌ها استفاده درست مي‌کنند.
چطور بعضي موقعيت‌ها و فرصت‌ها را از دست مي‌دهند.
اينها را نگاه کنيم.
با ديد باز اين را براي خودمان وسيله موعظه قرار بدهيم.
يعني از آن قدر روشن بگيريم.
به جای اينکه وقتي کسی زمين خورد، دلمان خنک بشود و بر روي احساسات خودمان افزار بگيريم!،
نه،
به جای اين توجه بکنيم که عامل چه بود؟
عامل اين زمين خوردن؛
عامل اين اعتلا و اوج چه بود؟
چگونه شد؟
و ما چقدر مي‌توانيم از اين فرصت‌ها استفاده کنيم.

اين مضمون حاصل اين کلام است.

شرح حديث در ابتداي درس خارج:۱۳۹۲/۱/۱۰
\* پايگاه اطلاعاتي دفتر حفظ و نشر آثار استفاده کنيم.
خامنآي
۱.بحار الأنوار ، ج۴، ص:۱۲۵
۲) ايدهاي ۲ و ۲ سوره شمس،به خورشيد و گسترش نور آن سونگد ۵ و به ماه هنگامی که بعد از آن درآيد.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<p>۱)بحار الأنوار ، ج۴، ص:۱۲۵</p>	
<p>۲) ايدهاي ۲ و ۲ سوره شمس،به خورشيد و گسترش نور آن سونگد ۵ و به ماه هنگامی که بعد از آن درآيد.</p>	

## با خورشيد انقلاب (خاطراتي از رهبر معظم انقلاب)

### خدمت در تبعيد

رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۵۷ که سيل در ايرانشهر جاري شده، در آن شهر تبعيد بودند. ايشان با تجربه‌اي که از زلزله طيس در سال ۱۳۴۷ داشتند، گروهی از طلاب و روحانيون را بسنج کردند تا تشکيلات منسجم، به کمک مردم محروم آن سامان شناختند. نقش موعظه در اين کمک‌رسانی، از خدمت به مردم، بر آن قدر روشن بود که باعث تعجب و ترس و وحشت ساواک شد و رئيس ساواک به آيت‌الله‌خامنه‌اي گفت:
دشيب در کميسيون امنيت شهرياني، به ساواک گفتم:
«شما چقدر بي عرضه هستيد که هيچ کاری کرده‌ايد!
يک نفر تبعيدي ببينيد اينجا چه نتيجه‌اي در دست گرفت است!»

حجت‌الاسلام والمسين محمد محمدی اشتهاړدی

□(کتاب پروتی از خورشيد، علی شيرازي، ج۸، ص: ۱۱۶)

### استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامي

**روزه زن باردار و شعيده با ترس از ضرر**
**(س) زنی در دو سال متوالي در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ايام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانايی روزه گرفتن را دارد، حکم او چيست؟ آیا کفاره جمع بر او واجب است يا فقط قضای آن را بايد به‌جا آورد؟ تأخير او در قضای روزه چه حکمی دارد؟**

ج) اگر بر اثر عنذر شرعی روزه ماه رمضان را نگرفته، فقط قضا بر او واجب است و درصورتی که عنذر او در خوردن روزه، خوف از ضرر روزه بسر جنين یا کودکش بوده، بايد علاوه‌بر قضا، بر هر روز یک مد طعام به عنوان فديه بپردازد و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعد، بدون عنذر شرعی به تأخیر انداخته، فديه ديگري هم بر او واجب است يعنی بايد براي هر روز یک مد طعام به فقير بدسد و در صورتی که عنذر او خوف ضرر بر ايام خودش بوده، حکم ساير موارد خوف ضرر را دارد که در صورت استعمار اين خوف تا ماه رمضان سال بعد، قضا از وی ساقط است و فقط فديه (یک مد طعام) بر او واجب است.

**رسيدن به محل اقامت؛ بعد از اذان ظهر**
**(س) اگر به جايی سمسفر کنيم که قصد دارم ده روز در آنجا بمانم ولی بعد از اذان ظهر به آنجا برسم، آیا روزه آن روز صحيح است؟**

ج) روزه آن روز صحيح نيست و بايد قبل از اذان ظهر در محل اقامت ده روز بناسيد.

### استقراغ عمدی در حال روزه

**(س) استقراغ عمدی موجب بطلان روزه است و آیا کفاره هم دارد؟**

ج) استقراغ عمدی موجب بطلان روزه است و کفاره هم دارد.

در بخش نخست این نوشتار به **محورهای همچون:**
**پورسی شخصیت و فضائل حضرت خديجه(س)، نقض آن حضرت در فرآيند تکاملی انقلاب نبوی در مر حله ايجاد انقلاب و حمايت‌های مستقيم و غير مستقيم مالی آن حضرت بر پرداختيم، اينک در ادامه بخش پایانی مطلب را تقديم خوانندگان محترم می‌کنيم.**

**۱۲) ايستادگی و مقاوت در تحرير و محاصره شعب ابی‌طالب:**
تاريخ حکايت‌گران استمد که هر گاه نادبی و انقلاي در راستاي حق‌طلبي و بر ضد ستمگرى و استبداد قدرافراشته است، مستکبران و مستبدان از هر راهی برای نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفتند. حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عيان، تهاجم فرهنگي و نرم و از جمله اين همه‌ها، هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی است. آن چيزی که امروز ملت مسلمان ايران با آن مواجه است. از قضا دشمنان پیامبر اکرم(ص) نیز پس از تاکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی، با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سياسی و فرهنگي تلاش نمودند بیرون پیامبر اکرم(ص) را از اقصای و انقلاب الهی آن حضرت را از پای درآورند. براساس گزارشات مسلم تاريخی ستمگران مکه در راستای اين تصمیم، پیامبر اکرم(ص) و وابستگان و اطرافيان و بيرون حضرتش را در شعب ابی‌طالب تحت محاصره همه‌جانبه‌اي قرار دادند: محاصره سياسي، محاصره فرهنگي، محاصره اقتصادي و… دانست. محاصره شعب ابی‌طالب تا سه سال ادامه داشت و در اين مدت سختي‌ها و اسبب‌های فراواني بر پيکر گروه قلیل مسلمانان وارد شد. در اين مدت تمامی دارايی حضرت خديجه(س) و حضرت ابوطالب خرج شد و تمامی ارتباط آن حضرت با بيرون از شعب به طور رسمی قطع گرديد. در اين ميانه و در عين سختي‌ها و مشکلات، بيماری‌ها و گرسنگي‌ها در آب و هوای طاقت فرسای حجازا، اما ياران و بيرون پیامبر اکرم(ص) پای بس نگشيده و با تمام سختي‌ها مقابلۀ نمودند. اهميت اين مقاومت زماني هويدا می‌شود که به عمق سخن رهبر معظم انقلاب در اين زمينه دست پاييم:
«وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند، همه از اوضاع راضيند؛ می‌گویند خدا پدرش را بيارميزد، ما را به اين وضع خوب آورد. وقتی سختی پيدا می‌شود، همه دچار تردید

## «مادامی که» آفتاب درخشان خديجه کبری(س) و فاطمه زهرا(س) و زينب کبری(س) می‌درخشند، و طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتيجه نخواهد رسيد» «هزاران زن کربلايي ما نه‌تنها خطوط سپاه ستم‌های ظاهري را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را از نيز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترين حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته‌شدن آن است.»

ببايند، اما تا می‌خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند، ابوجهل و ابولهب و بقيه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آنها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شويد، دو برابر پول بدهيد، جنس را شما بخريد و نگذاريد آنها جنس بخرند. با یک چنین وضعيت سختی سه سال را گذراندند. اين شوخی است؟ آن استقامت اولی، آن عمود مستحکم اين خيمه، آن دل متوکل علی‌الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می‌آورد که احاد صبر ميکنند. حضرت خديجه(س) و ثروت آن بانو در اين انقلاب سخت در اختيار مسلمان که به‌عاشق در مقابلش پيری می‌زد – که چقدر در شعب مردند، توی شعب ابی‌طالب به گوش کفار قریش می‌رسيد و ضغای آنها هم دلشنان می‌سوخت؛ اما از ترس اقويا جرئت نمی‌کردند ملک کنند. اما مسلمان که به‌عاشق در مقابلش پيری می‌زد – که چقدر در شعب مردند، چقدر بيمار شدند، چقدر گرسنگی کشيدند – تکان نخورد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۵/۹).
روشن است که وجود شخص حضرت خديجه(س) و نیز ثروت آن حضرت، چقدر در اين ايام سخت تحریم و محاصره به



عباسعلی مشکاتی سبزواری
بخش دوم و پایانی

خاطر خدمات بنياديش به پیامبر اکرم(ص)، لقب «امیه‌اها» را از جانب آن حضرت دریافت کرد. درواقع حضرت خديجه(س) با تربيت صحیح و دقيق حضرت زهرا(س) علاوه‌بر خدمتی که به کل جریان انقلاب نبوی نمود، برای دوران اوليه ايجاد و آغازنگاه آن نیز تأثير شکرگف داشت؛ چه اينکه در مدت کوتاهی پس از محاصره و تحریم شعب ابی‌طالب، حضرت خديجه(س)، يار بافقا و مونس و غمخوار پیامبر اکرم(ص) بر اثر شدت اسبب‌های وارده و نیز حضرت ابوطالب ديگر حامی بزرگ پیامبر اکرم(ص) از دنيا رفتند و در صف کمک‌شمار اما مقاوم بيرون حضرت رخنه‌اي عظيم ايجاد شد که می‌توانست اسبب‌هايی جدی به جريان انقلاب وارد نمايد. اما حضرت خديجه(س)، با پرورش و تربيت حضرت زهرا و حضرت علی، توانست برای اين روزهای سخت و طاقت‌فرسای پیامبر اکرم(ص)، ياره، مونس و حامی تدارک ببيند. حضرت خديجه(س) با پرورش و تربيت حضرت زهرا(س) خلاه وجودی خود و با پرورش و تربيت حضرت علی(ع) خلاب وجودی ابوطالب را برای پیامبر اکرم(ص) پر نمود. رهبر معظم انقلاب درباره نقش حضرت زهرا(س) در دوران فقدان حضرت خديجه(س) و نقش و تأثير آن بانو در فرآيند رو به جلو انقلاب نبوی، می‌فرمايد:
«شما ببينيد حضرت فاطمه(س) چگونه زندگي کرده است! تا قبل از ازدواج که دختری کبود، با آن پدر به اين عظمت کاری کرد که کنياهش را ام‌الپيها – مادر پدر – گذاشتند. در آن زمان، پیامبر رحمت و نور، پديداورنده دنياي نو و رهبر و فرمانده عظيم آن انقلاب جهانی -انقلابی که بايد تاابد بماند – در حال برافراشتن پرچم اسلام بود. بی‌خود که نمی‌گويند ام‌الپيها!
ناميادن آن حضرت به اين کنيه، به دليل خدمت و کار و مجاهدت و تلاش اوست. آن حضرت چه در دوران آن که در دوران شعب‌الپيطلب – يا آن همه سختي‌ها که داشت – و چه در آن هنگام که مادرش خديجه(س) از دنيا رفت و پيغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غمخوار و يار پدر بود. بل پيغمبر در مصلحت کواهي يا دو حادثه وفات خديجه(س) و وفات ابی‌طالب شکست. در واقع کمي اين دو شخصيت از دست پيغمبر رفتند و پيغمبر احساس تنهائی کرد. فاطمه زهرا(س) در آن روزها قدرافراشت و با دست‌های کوچک خود غير محنت را از چهره پيغمبر زدود. ام‌الپيها؛ تسلی‌بخش پيغمبر. اين کنيت از آن ايام نشأت گرفت» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۹/۳).
ايشان در بيانی ديگر با ادبيات ذيل به تبیین شخصيت و جایگاه حضرت زهرا در فرآيند انقلاب نبوی در دوران خلاه وجودی حضرت خديجه(س) اشاره فرموده است:
«دختری که در کوره گداخته مبارزات سخت پيغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی‌طالب يار و غمگسار پدر بود. دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله – بناير اختلاف روايات، کمتر و بيشتر – در شرايطی که خديجه(س) و ابوطالب از دنيا رفتند، آن شرايط دشوار را تحمل کرد. پيغمبر تنهاست، بی‌غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کيست که غبار غم را از چهره خود او بزدايد؟
بکوقت خديجه(س) بود، که حالا نيست. ابوطالب بود، که حالا نيست. در چنین شرايط دشواری، در عين آن گرسنگي‌ها و تشنگي‌ها و سرما و گرمای دوران سه‌ساله شعب ابی‌طالب که از دورانهای سخت زندگي پيغمبر است و آن حضرت در ده‌ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعيد اجباری زندگي می‌کردند؛ اين دختر مثل یک فرشته نجات برای پيغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پيغمبر شد، بارها را بردوش گرفت (همو، ۷۱/۹/۲۵). و چه فرایز ديگر اين نقش را اينگونه به تصوير می‌کشد:
«اين مخدره بزرگوار، در ميدان‌های سختی که داشتند، ماهبه دلگرمی شوهر و پدرش بود. اين بزرگوار، در سال پنجم بعثت متولد شده است. يعنی در اوج و شدت دعوت پيغمبر؛ عين شدت و سختی و فشار. اين‌که شنيدهاييد در ولادت آن بزرگوار، زن‌ها نيامند، خیلی معنی دارد!
يعنی پيغمبر در حال مبارزه بود، آن چنان مبارزهای که مردم مکه او را بايکوت کرده بودند. به

کل، رابطه‌هاشان را بریده بودند، برای اين او که از زیر فشار قرار دهند. و آن زن فداکار – خديجه(س)، کبری سلام‌الله‌عليها – استقامت کرد و به پيغمبر دلگرمی داد. بعد بعد هم اين دختر رسيد. اين دختر، در حالی که بزرگی می‌شد و به پنج، شش سالگی می‌رسيد، ماجرای شمه‌ايی طالب پيش آمد. پدر آن گرسنگي‌ها، سختي‌ها، فشارها، غربت‌ها، در آن روزهای داغ از آن و شش‌هائی سرد از آن متعلقه. در آن وقت که به‌چهارها که شکم‌های گرسنه و لب‌های تشنه، جلو چشمشان پيری می‌زدند. سه سال پيغمبر، در بيابان‌های اطراف مکه اين‌طور زندگي می‌کرد و اين دختر، در اين دوران سخت، فرشته نجات پيغمبر بود. در همين دوران بود که خديجه(س) از دنيا رفت. در همين دوران بود که ابوطالب از دنيا رفت و

## از جمله خدمات چشمگیر حضرت خديجه(س) به پیامبر اکرم(ص) و انقلاب الهی ايشان، به دنيا آوردن و تربيت شخصيتی بود که بعدها به خاطر خدمات بنياديش به پیامبر اکرم(ص)، لقب «ام‌الپيها» را از جانب آن حضرت دریافت کرد.

پيغمبر، تک و تنها ماند. در اين حال، اين دختر بود که نوازشش می‌کرد، از او پذيرايی می‌کرد، دلداری‌اش می‌داد و غيرغم و کدورت را از چهره او می‌زدود (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۱/۹/۲۴).
در نه‌تايه درباره نقش حضرت زهرا در اين دوری می‌فرمايد:
«چنين وضعيت سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه او – اتفاقاً در همين ايام جناب ابی‌طالب هم از دنيا می‌رود؛ جناب خديجه کبری هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی و لقاالله می‌پيوند و پیامبر، تنهاست – فاطمه زهرا، اين دختر چند ساله – حالا بنا به اختلاف روايات، پنج، شش ساله، هفت ساله، ده ساله – تنها کسی است که پیامبر يا اين عظمت به او تکیه می‌کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذيرايی می‌کند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۶/۲۶).
**۶- ارائه الگوهای انسانی تراز اسلام و انقلاب اسلامی**

يکي ديگر از تاثيرات حضرت خديجه(س) در فرآيند تکاملی انقلاب نبوی، که تاثير آن منحصر به همان زمان نيست و تمام تاريخ اسلام – مادامی که نامی از اسلام باقی بماند – را شامل می‌شود، ارائه الگوهای انسانی تراز اسلام است. با توجه به اينکه مهم‌ترين اقدام و قبايل در مرحله آغاز انقلاب نبوی «عمليات فردسازي» است، حضرت خديجه(س) اولاً با تربيت دو انسان والا (حضرت زهرا و حضرت علی) به تمامی بشریت (چه زن و چه مرد) الگوی یک انسان تراز اسلام حقيقي و ناب را ارائه کرده است. علاوه اينکه شخصيت خود آن حضرت نیز بايستی به عنوان یک بانوی نمونه و الگو که مورد تاييد نبي مکرم اسلام و ديگر انمه معصوم(ع) مد نظر قرار گرفته. اگر زنان مسلمان و بخصوص زنان مسلمان ايران اسلامی شخصيت حضرت خديجه(س) را به عنوان الگوی خویش انتخاب نمايند و بر آن حضرت اقتداء نمايند، به يقين جامعه و نظام اسلامی در پيشبرد اهداف عالی اسلامی و انسانی خویش به موقبیت‌های چشم‌گيری دست خواهد يافت. چنانکه حضور اين بانوی مکرمه در فرآيند انقلاب نبوی تاينگر تاثير شکرگف و بنيادين ايشان در موقبیت پیامبر اکرم(ص) در وصول به اهداف اصلی خویش بوده است، چنانکه پيشتر به مواردی از اين تاثيرات اشارتی رفت. امروز و با توجه به هجوم دشمنان اسلام از روزه مسئله زن، اگر زنان مسلمان حضرت خديجه(س) و حضرت زهرا(س) را به عنوان الگوی خویش مورد اقتداء قرار دهند، يقيناً طرح استعمار در به چالش کشيدن اسلام و نظام اسلامی از مسير نوظه در مسئله زن، به جايی نخواهد رسيد. به تعبير رهبر معظم انقلاب:
«مادامی که» آفتاب درخشان خديجه کبری(س) و فاطمه زهرا(س) و زينب کبری(س) می‌درخشند، طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتيجه نخواهد رسيد» و نتيجه اقتدا به اين آفتاب‌های درخشان اين بوده شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نيز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترين حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته‌شدن آن است».
اگر زن مسلمان ایرانی به حضرت خديجه(س) و اولاد گرانقدر آن بانوی مکرمه اقتدا نمايد خواهد توانست «مدافع بزرگ زن ایرانی مسلمان را در دنيا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمايند (ن.ک. همو، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

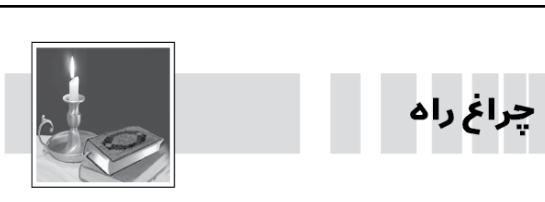
### معارف

Maaref@Kayhan.ir

صفحه ۶

یک‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۷

۱۱رمضان ۱۴۳۹ – شماره ۲۱۹۱۶



### چراغ راه

## چه چیز خواب را لذیذتر و غذا را گواراتر می‌کند؟

**قال الامام الهادی(ع):** «السهر اللذللما و الجوع يزيد في طيب الطعام.» (پريد به الحث علی قيام الليل و صيام النهار».
امام هادی(ع) می‌فرمايد: شبنزنده‌ماری خواب را لذیذتر می‌کند و گرسنگی گوارایی غذا را می‌افزايد. (منظور امام ترغيب و تشويق به شبنزنده‌ماری و روزه‌داری است.)<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۲۶۹



### حکایت خوبان

### پر خوری، طراوت و نشاط صورت را از بين می‌برد!

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: برادرم عیسی (ع) به شهری عبور نمود که در آن مرد و زنی بر سر یکدیگر فریاد می‌زدند، حضرت به آنها فرمود: شما را چه می‌شود چرا فریاد می‌کنید؟ آن مرد عرض کرد: ای پیامبر خدا! این همسر من است، و هیچ بدی هم ندارد بلکه زنی است صالحه، ولی در عين حال دوست دارم از او جدا شوم. حضرت عیسی(ع) فرمود: به هرحال بگو چه نصی در او است که می‌خواهی از وی جدا شوی؟ آن مرد عرضه داشت: بدون اينکه پيد شده باشد، صورتش شکسته صورتت به تو برگردد؟ آن زن عرضه داشت: آری. حضرت فرمود: درگاه غذا تناول می‌کنی، پيش از سيرشدن از آن دست بکش. زیرا طعام وقتی در شکم و معده زياد شد، طراوت و نشاط صورت را از بين می‌برد.

زن به این دستور عمل نمود، و طراوت صورتش دوباره بازش. <sup>(۱)</sup>

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۷



### پرسش و پاسخ

### روش «ترتيل» (۲)

برستن:

**اينکه خداوند در قرآن کريم به پیامبر گرامی اسلام (ص) امر می‌کند که قرآن را با روش ترتيل بخوان!**
**منظور از «ترتيل» چیست و ناظر به چه نوع خواندن قرآن کريم است؟**

در بخش نخست پاسخ به این سوال ضمن تبیین مفهوم «ترتيل»، به طرح پرسشی درباره انواع مصاديق روش ترتيل پرداختيم. اينک در ادامه دنباها مطلب را بی می‌گيريم.

در پاسخ بايد گفت: آنچه پایه و اساس قرآنی داشته و مسلمانان به آن تشويق شده‌اند، خواندن قرآن به صوت «ترتيل» است. با توجه به تعريف امام علی(ع) و ديگران از واژه ترتيل، می‌گويم، قرآن به هر شکلی که خوانده شود، در صورتی که همراه با بحث قرأت حروف و کلمات قرآن باشد، آن را «ترتيل» گویند.

بنابراين برای تلاوت صحیح قرآن یک روش بيشتتر موجود نيست و آن «ترتيل» است. ولی این روش بر اساس هدف قاری از تلاوت قرآن، صورت‌های متفاوتی به خود می‌گيرد. گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم و آموزش است که به آن قرأت «تحقيق» می‌گویند. اگر با تحسين (زيبا گردانيدن) لفظ و صدا همراه باشد، به آن «تدوير» گفته می‌شود و زمانی که تالی قرآن هدفش ختم قرآن و تلاوت آیات بيشتري از کلام‌الله مجيد باشد، از روش «حدر» یا «تحدیر» خوانندگی می‌گویند.

بنابراين برای تلاوت صحیح قرآن یک روش بيشتتر موجود نيست و آن «ترتيل» است. ولی این روش بر اساس هدف قاری از تلاوت قرآن، صورت‌های متفاوتی به خود می‌گيرد. گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم

و آموزش است که به آن قرأت «تحقيق» می‌گویند. اگر با تحسين (زيبا گردانيدن) لفظ و صدا همراه باشد، به آن «تدوير» گفته می‌شود و زمانی که تالی قرآن هدفش ختم قرآن و تلاوت آیات بيشتري از کلام‌الله مجيد باشد، از روش «حدر» یا «تحدیر» خوانندگی می‌گویند.

۱- «تحقيق»
در لغت به معنی «مبالغه در انجام چيزی بدون کمی و زيادی» یا «رسيدن به حقيقت چيزی» باشد. در اصطلاح، عبارت است از: به جا آوردن حق هر حرفی از اشباع مدھا، تحقيق همزه‌ها، تمام و کمال آوردن حرکات، اظهار کامل حروف و تشديدها، آوردن غنھا، تفکيک حروف از یکديگر و در نظر گرفتن محل و قدهای مجاز. (النشر في القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۵)
کاربرد قرأت تحقيق: این قرأت برای تمرين دادن اندام‌های صوتی جهت ادای حروف و قوام بخشيدن به الفاظ است. اين نوع از قرأت برای نوآموزان تجويد توصيه شده است. البته يگوينگي قرأت از طريق استاد آموزش داده شود. اين جزری معتقد است: قرأت تحقيق نوعی از روش ترتيل است. روش حمزه کوفي در قرأت، تحقيق بوده، چنانچه قرأت ورش(غير از طريقی که از «صهائنها» نقل شده است)، به تحقيق بوده است. <sup>(۲)</sup>

۲- «حدر»
اين واژه مصدر است. ماضی و مضارع آن حدر، بخدر و از ابواب ثلاثی مجرد می‌باشند. برخی آن را «تحدیر» گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم «سرعت پيدا کردن و در سراسرحيی قرار گرفتن» است. تعريف اصطلاحی «حدر»: سریع خواندن قرآن و تخفيف قواعد آن؛ مانند به قصر خواندن مدھا و سساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حروف، تخفيف همزه‌ها و خواندن آن به تسهيل و يا ابداً و امثال اينها. «حدر» روش قرآنی قاريانی مانند ابن کثير، ابوجعفر «يکي از قراء عشره» و ساير قاريانی بوده است که مد مفصل را به قصر خوانده‌اند، مانند: ابوعمر، يعقوب‌بن‌کثير از قراء عشره، قالون(راوی قرأت نافع) و ديگران. تذکر: رعايت اين موارد در قرأت «حدر» ضروری است: الف: رعايت تبديدها و مخارج حروف و آوردن صفات آنها؛ ب: اظهار تشديدها و آوردن کامل غنھا؛ ج: به کار بستن قواعد مربوط به اظهار، ادغام، قلب و اخفاء؛ د: رعايت قواعد تفخيخ و تريق حروف؛ ه: مد دادن مواردی که مد آنها تعيين شده است. مثلا مد لازم را بايد به طول اختصاص داد، زیرا چنين تعيين شده است. و: مراقبت از کشش صدای حرف مدی و جلوگیری از افراط در اختلاس صداها.

۳- «حدر»
اين واژه مصدر است. ماضی و مضارع آن حدر، بخدر و از ابواب ثلاثی مجرد می‌باشند. برخی آن را «تحدیر» گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم «سرعت پيدا کردن و در سراسرحيی قرار گرفتن» است. تعريف اصطلاحی «حدر»: سریع خواندن قرآن و تخفيف قواعد آن؛ مانند به قصر خواندن مدھا و سساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حروف، تخفيف همزه‌ها و خواندن آن به تسهيل و يا ابداً و امثال اينها.

۴- «حدر»
اين واژه مصدر است. ماضی و مضارع آن حدر، بخدر و از ابواب ثلاثی مجرد می‌باشند. برخی آن را «تحدیر» گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم «سرعت پيدا کردن و در سراسرحيی قرار گرفتن» است. تعريف اصطلاحی «حدر»: سریع خواندن قرآن و تخفيف قواعد آن؛ مانند به قصر خواندن مدھا و سساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حروف، تخفيف همزه‌ها و خواندن آن به تسهيل و يا ابداً و امثال اينها.

۵- «حدر»
اين واژه مصدر است. ماضی و مضارع آن حدر، بخدر و از ابواب ثلاثی مجرد می‌باشند. برخی آن را «تحدیر» گاهی هدف قاری از قرأت، تعليم «سرعت پيدا کردن و در سراسرحيی قرار گرفتن» است. تعريف اصطلاحی «حدر»: سریع خواندن قرآن و تخفيف قواعد آن؛ مانند به قصر خواندن مدھا و سساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حروف، تخفيف همزه‌ها و خواندن آن به تسهيل و يا ابداً و امثال اينها.

### ساختن انسان در کارخانه عالم هستی

(بدان ای سالک راه خدا!)
انسان بيدار همواره کشيک نفس می‌کشد و باسنان حرم دل است، و واردات و صادرات دهان خود را می‌بايد وار هستی را کارخانه‌های بزرگ می‌بايد که با عمال بی شمار «و ما يعلم خود بخوب کار الاوه» دستت هم گرفته در کارند تا انسان بسازند، و از عالمی تحویل به عالم ديگر دهند و می‌گویند که مروت نباشد که کفران شود و جبران نشود... هر که مراقب است، سرور است. چه اينکه کليد نيکبختی در مثنث اوست و نکين بيپروزی در انگشت او. <sup>(۱)</sup>

۱- تزيانه سلوک، آيت‌الله علامه حسن‌زاده آملی.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<p><b>صفحه معارف روز های: شنبه ، یک شنبه و سه شنبه و پنج شنبه منتشر می شود</b></p>	
<p><b>تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۶۱۹۹۱ – ۲۳۲۱-۲۳۲۱</b></p>	
<p><b>Maaref@kayhan.ir</b></p>	

<sup>[1]</sup> کتاب: تائیر آثار بر جسم و جان، نوشته نعمت‌الله صالحی حاجی‌ابادی